باسمه تعالی

در ابتدای جلسه خانم دکتر ایشانی ضمن عرض سلام و احترام به استادان فرهیخته و حاضرین بیان کردندکه امروز سی و سومین کرسی ترویجی با رویکرد عرضه و نقد ایده علمی و با عنوان « نقد رویکردهای سنتی در باب نظام های اقتصادی و ارائه ایده جایگزین » توسط جناب آقای دکتر آقای دکتر سید حسین میرجلیلی ارائه می‏گردد. مستحضرید که برگزاری کرسی های تخصصی نظریه پردازی، نقد و مناظره مستلزم دستیابی صاحبان کرسی ها به استاندارد های علمی مصوب هیئت حمایت از کرسی های نظریه پردازی، نقد و مناظره است. دستیابی به این استاندارد ها خود نیازمند تمرین و تجربه هم از جانب صاحبان کرسی ها و هم دستگاه های برگزار کننده است. از این رو برگزاری کرسی هایی تحت عنوان کرسی های ترویجی پیش بینی شده است.کرسی ترویجی به آن دسته از کرسی‏های آزاداندیشی مبتنی بر اخلاق و منطق اطلاق میشود که در جهت بسط فرهنگ گفتگو و نقد، با هدف گفتمان سازی فضای عقلانی در مراکز علمی و با رویکرد تبادل و تضارب آرا و افکار برگزار میشود. این کرسی ها اگرچه ممکن است از استاندارد های لازم برای برگزاری کرسی های علمی برخوردار نباشند اما با تبعیت از مقررات تعیین شده توسط کمیته دستگاهی گامی است در جهت نهادینه سازی فرهنگ نظریه پردازی، نقد و مناظره علمی و تمرین تجربه صاحبان اندیشه و نظر برای حضور عالمانه و مقتدرانه در کرسی های تخصصیِ علمی. کرسی های ترویجی به دوصورت برگزار می شود: 1- مناظره 2- عرضه و نقد علمی. مناظره به هرگونه مباحثه رو­در­رو و روشمند میان دو صاحب­نظرگفته می شود که به گونه­ای نقادانه دیدگاهها و نظرات یکدیگر را درباره موضوعی خاص به چالش می کشند تا در نهایت دیدگاه برتر به نحو مسالمت­آمیز تفوق یابد. اما کرسی های ترویجی، عرضه و نقده ایده علمی مانند کرسی امروز به هرگونه تلاش نوآورانه، روشمند و منطقی که هدف از آن ارزیابی و سنجش نقاط قوت و ضعف نظریه، نظر، مکتب، بینش، ایده به جهان جهت کمک به اصلاح و بهبود آن باشد گفته می شود. ساختار کرسی ترویجی امروز چنان که اشاره شد با رویکرد عرضه و نقد ایده علمی است. ارکان این نوع کرسی عبارتست از یک نفر ارائه دهنده ایده و یا نقد و دویا سه نفر ناقد که شخص ارائه دهنده موظف است افزون برپاسخ گویی به انتقادات ناقدین به پرسش های حاضران نیز پاسخ گوید و مدیر علمی موظف به مدیریت علمی جلسه، مدیریت پرسش و پاسخ حاضران در جلسه و ارائه خلاصه بحث می باشد. ناقدین این جلسه جناب آقای دکتر حسین عیوضلو و جناب آقای دکتر داوود منظور و مدیر علمی جلسه آقای دکتر امیری تهرانی زاده هستند. طبق برنامه زمانی آقای دکتر میرجلیلی به مدت 30 الی 40 دقیقه به ارائه ایده خود می‏پردازند و سپس هر یک از ناقدان به نقد و نظر خویش راجع به این ایده می‏پردازند و سپس دکتر میرجلیلی به نقد ناقدان پاسخ می دهند. در اینجا با آرزوی توفیق برای ایشان، مدیریت علمی جلسه را به آقای دکتر امیری تهرانی زاده می سپارم. آقای دکتر امیری تهرانی زاده ضمن تشکر از حضور ناقدان محترم به اهمیت موضوع اشاره کرده و بیان کردند که جمهوری اسلامی ایران با توجه به آرمان های انقلاب اسلامی داعیه طرح نظامی متفاوت از نظام های اقتصادی جهان دارد و در این زمینه تلاش هایی را هم انجام داده است. لذا این مبحث مهمی است و امیدوارم در این جلسه برخی ابهام ها روشن شود.

دکتر میرجلیلی ضمن تشکر از حضور اساتید و ناقدین و دانشجویان محترم به یک پرسش قديمي در علم اقتصاداشاره کردند:چگونه مي توان اقتصادها را با يكديگر مقايسه كرد؟

**زمينه ها**

اول، ظهور اقتصاد سوسیالیستي و برنامه ریزی مرکزی و امکان وقوع تئوریک آن بر اساس مباحث لرنر-لانگه و تحقق آن در واقعیت با ایجاد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و اروپای شرقی سوسیالیستی و چین سوسیالیستی بود.

دوم، ظهور نظريه سيستم ها و كاربرد آن در علوم طبيعي و سپس در علوم اجتماعي.

بر اساس نظريه سيستم ها، اقتصادها به سه دسته تقسيم شدند:

1-سيستم اقتصاد سرمايه داري.

2-سيستم اقتصاد سوسياليستي.

3- اقتصادهاي مختلط.

اقتصاد اسلامي بعدا توسط مسلمانان اضافه شد.

دو رقيب اصلي، اقتصادهاي سرمايه داري در مقابل اقتصادهاي سوسياليستي بودند.

مباحث نظام های اقتصادی ، شناخت اقتصادها به صورت يك سیستم و مقایسه طرز کار سیستم های اقتصادی بود.

**نقد رويكرد سيستمي در نظام هاي اقتصادي**

الف) ضرورت مقایسه سيستم اقتصاد سرمایه داری و نظام اقتصاد سوسیالیسم، با فروپاشی اقتصادهای سوسیالیستی در سال 1989 منتفی شده است.پس از سال 1989 در مورداقتصادهای سوسیالیستی، اثرات اقتصادی تجربه گذار از سوسیالیسم به سرمایه داری بررسی می شود و متون نظام های اقتصادی دچار تغییر اساسی شده است. با فروپاشی اقتصاد سوسیالیستي، به جز چند استثناء، تقریبا تمام اقتصادهای موجود ، اقتصاد بازاری هستند، اقتصادهای سوسیالیستی سابق نیز "اقتصادهای در حال گذار به اقتصاد بازار"هستند.در واقع افول نظام های اقتصادی، در نتیجه فروپاشی اقتصاد سوسیالیستی مبتنی بر برنامه ریزی بود که تنها یک نظام اقتصادی بازاری به جای گذاشت. بنابراین نظام های اقتصادی با این تعریف که به مقایسه نظام سرمایه داری و نظام سوسیالیسم می پردازد، در واقع مرده است.

ب) از دست دادن انسجام نظام ها: سیستم به معنای مجموعه منسجمی است که تمام اجزای آن با یکدیگر مرتبط است. اما در عمل نظام های اقتصادی، تغییرات زیادی کرده و انسجام ندارد.از این رو واقعیت نظام های اقتصادی باعث می شود که در عمل،اقتصادها به صورت مختلط باشند و در آن صورت دیگر کاربرد نظریه منسجم سیستم ها، معنا ندارد.

ج) افول کاربرد نظریه سیستم ها در علوم

نظریه عمومی سیستم ها توسط لودویگ ون برتالانفی در سال 1937 در دانشگاه شیکاگو ارایه شد. بعد از جنگ جهانی دوم کاربرد آن در علوم به سرعت گسترش یافت و در دهه 1950 در علم اقتصاد به کاربرده شد.

سیستم های اقتصادی توسط اقتصاددانی به نام کالوین برایس هوور پایه گذاری شده است.کاربرد نظریه سیستم ها در علوم به تدريج افول کرده است و در مقایسه با چند دهه گذشته ، امروزه به ندرت از نظریه سیستم ها در علوم مختلف استفاده می شود.علم اقتصاد نیز از این رویه ، مستثنا نیست. به دلیل مشاهده رفتارها و شواهد غیرسیستماتیک و غیرمنسجم در اقتصادها، کاربرد نظریه سیستم ها برای مقایسه اقتصادها افول کرده است.

**ساختارها جایگزین نظام ها (سيستم ها)**

بر اساس آنچه گفته شد، دوران نظامهاي اقتصادي به سر آمده و دوران ساختارهاي اقتصادي آغاز شده است.

ساختار اقتصادی بنا به تعریف، ترکیب اجزای مختلف اقتصاد از قبیل: تولید، اشتغال، مصرف، تجارت و محصول ناخالص داخلی است.تحول ساختاری، تغییر در اهمیت نسبی بخش های اقتصاد است. می توان ساختار تولیدی دو اقتصاد را با یکدیگر مقایسه کرد. برانسون و همکاران(1998)، برای مقايسه ساختارهاي اقتصادی از 45 متغیر استفاده کرده اند که در 10 گروه آمده است:

 1-ترکیب بخشی محصول ناخالص داخلی

2-سهم سرمایه گذاری به تولید ناخالص داخلی

 3-سهم پس انداز و مصرف به تولید ناخالص داخلی

 4-سهم مخارج و درآمد دولت به تولید ناخالص داخلی

 5- تورم و عرضه پول

 6-متغیرهای مرتبط با واردات

 7- متغیرهای مرتبط با صادرات

 8-تمرکز محصول صادراتی

 9- قدرت بازاری در بازارهای صادراتی جهان

 10- توسعه بازار مالی.

در این تحقیق به مقایسه ساختار اقتصادی 93 کشور با استفاده از 45 شاخص اقتصاد کلان طی دوره 25 ساله (1970-1994) پرداخته شده است. در مقایسه ساختار اقتصادی کشورها، تفاوتها و شباهتهای ساختارها بررسی می شود. بنابراین به جای بررسی نظام های اقتصادی ، ساختارها و نهادهای اقتصادی بررسی می شود. بدین منظور ساختار اقتصادها در طیفی از درجه بازاری بودن قرار می گیرد. نهاد مرکزی در ساختار هر اقتصاد که سایر نهادها متناسب با آن شکل می گیرد، نهاد مالکیت است. این که مالکیت دارایی ها و ابزارهای تولیدی، خصوصي باشد يا عمومي، می تواند ساختار اقتصادی متفاوتی به وجود آورد. نهاد مالکیت، نقش بسزایی در عملکرد اقتصادی دارد. نهاد مالکیت، مجموعه ای از حقوق است که مربوط به استفاده از دارایی و درآمدهای ناشی از آن و توانایی انتقال یک دارایی یا منبع مولد ثروت است.نهاد ديگر ساختار اقتصاد، بازار است.بازار از طریق مکانیزم قیمت ، سه نقش اصلی "اطلاع رسانی"،"ایجاد انگیزه"و "توزیع درآمدها"، فعالیتهای اقتصادی را هماهنگ می کند. بازار این سه نقش را بازی می کند تا دو وظیفه اصلی "تخصیص" و "توزیع”منابع را انجام دهد. واسیلی لئونتیف در سال 1953 کتاب" مطالعاتی در ساختار اقتصاد آمریکا" را منتشرکرد و به مطالعه کمی روابط متقابل ساختاری در اقتصاد آمریکا از طریق رویکرد داده-ستانده پرداخت. ماسگریو در کتاب" ساختار اقتصادی"(1969) به بررسی نهادهای اقتصادی و رفتار اقتصادی مصرف کنندگان، کارآفرینان، مدیران و کارگران در بریتانیا می پردازد.

**اقتصاد تطبیقی**

در نظر انگرسانو،جایگزین نظام های اقتصادی ،اقتصاد تطبیقی است که به مقایسه ساختارها و رفتارهای اقتصادی می پردازد.

**تعریف اقتصاد تطبیقی؛**

**در سطح کلان،** الگوهای توسعه اقتصادی کشورها و مناطق، بازار کار، شرایط نهادی، مالیات، سیاست پولی، سیاست صنعتی، سرمایه گذاری و مصرف، و اثربخشي سياستها در عملکرد اقتصادی را مقايسه می كند. **در سطح خرد،** رفتار مصرف کنندگان و بنگاه ها، اداره امورشرکت و روابط صنعتی،انتخاب مالی خانواده ها، بانکها و بنگاه ها در اقتصادهاي مختلف را مقايسه می کند.چگونگي تاثيرگذاري نهادهاي فرهنگی، اجتماعي، مالي، حقوقی، اقتصادي و سیاسی، بر عملکرد اقتصادی.نظام های اقتصادی تحت تاثیر شدید نظریه سیستم ها بود. اقتصاد تطبیقی تحت تاثیر شدید نهادگرایی است.مقایسه نهادها میان اقتصادها، تفاوتها و پیامدهای آنها برای عملکرد اقتصادی، موضوع اقتصاد تطبیقی است.نهادها بر دو نوع: رسمی و غیر رسمی است. نهادهای رسمی مانند:مقررات، قانون اساسی، قراردادها و حقوق مالکیت.نهادهای غیررسمی مانند:هنجارها، اخلاق ،آداب و رسوم.   در نهادگرایی، نهاد به جای فرد و روش نهادی به جای فردگرایی روش شناختی قرار می گیرد و نهاد، واحد اصلی تحلیل اقتصادی است. هر اقتصادی دارای نهادهای زیادی است. وظیفه این نهادها، حفظ نظم و قانون، تضمین حقوق مالکیت، بازتوزیع ثروت، حل اختلافات، اداره بنگاه ها، تخصیص اعتبار و غیره است. نهادها میان کشورها تفاوت دارند و این تفاوتها برعملکرد اقتصادی تاثير دارد. مقایسه نهادها و اثربخشی آنها، موضوع "اقتصاد تطبیقی" است. اقتصاد تطبیقی به بررسی نهادهایی مانند مالکیت،بازار، تامین مالی، حقوق، دولت و مقررات میان اقتصادها می پردازد كه بر عملکرد اقتصادي اثر مي گذارد. بررسي کارایی نهادی به صورت تطبیقی، در قلب اقتصاد تطبیقی قرار دارد.نهادها باعث ایجاد تفاوت در نتایج اقتصادی می شود و نتایج اقتصادی در درآمد سرانه (یا رشد آن) ظاهر می شود و توسط آن در باره عملکرد اقتصادی قضاوت می شود. به همین جهت،اقتصاد تطبیقی به مقایسه سطح درآمد میان کشورها نیز می پردازد. نهادها همچنین تعیین کننده اصلی سطح بهره وری کل عوامل تولید در هر اقتصادی هستند. اقتصادها را از نظر تفاوت سطح درآمد مي توان با يكديگر مقايسه کرد:برای سال 2016، اقتصادهای با درآمد پایین به عنوان اقتصادهای با تولید ناخالص داخلی سرانه 1054 دلار یا کمتر تعریف شده اند. اقتصادهای با درآمد متوسط، اقتصادهای با تولید ناخالص داخلی سرانه بیش از 1045 ولی کمتر از 12736 دلار تعریف شده اند و اقتصادهای با درآمد بالا، اقتصادهای با تولید ناخالص داخلی سرانه 12736 دلار یا بیشتر تعریف شده اند. اقتصادهای با درآمد متوسط پایین و با درآمد متوسط بالا، در تولید ناخالص داخلی سرانه 4125 دلار، جدا شده اند. تفاوت ساختار محصول اقتصادها نیز در جدول زیر نشان داده شده است.

**جدول: ساختار محصول اقتصادها** (واحد: درصد از تولید ناخالص داخلی) (ماخذ: بانک جهانی)

اقتصاد سهم کشاورزی سهم صنعت سهم خدمات

هند 17 30 53

چین 9 43 48

برزیل 5 24 71

کره 2 38 60

بریتانیا 1 21 78

سوئد 1 26 73

فرانسه 2 20 70

ژاپن 1 27 72

ج.ا.ایران 9 38 52

طبقه بندی دیگر اقتصادها به صورت منطقه ای است: 1- شرق آسیا و پاسیفیک 2- جنوب آسیا 3- خاورمیانه و شمال آفریقا 3- اروپا و آسیای میانه 4- آمریکای لاتین 5- آفریقا

**مباحث چند متن درسی"اقتصاد تطبیقی“**

در کتاب اقتصاد تطبيقي(ديويد كنت،2001)،ساختار و نهادهای اقتصادهای زیر بررسی شده است: اقتصاد فرانسه، اقتصاد سوئد، اقتصاد اتحادیه اروپا. اقتصادهای آسیایی: ژاپن، کره جنوبی، چین، اندونزی. اقتصادهای در حال گذار: روسیه و اقتصادهای اروپای شرقی.

ب) در کتاب" اقتصاد تطبیقی در اقتصاد جهانی در حال گذار"(روسر و روسر)(2004) معیارهایی که مولفان برای مقایسه اقتصادها به کار گرفته اند عبارتند از:

1- مکانیزم های تخصیص

2- اشکال مالکیت

 3- نقش برنامه ریزی

4- انواع مشوق ها

5-روش توزیع درآمد و ماهیت شبکه های تامین اجتماعی

 6- نظام سیاسی و ایدئولوژیک.

علاوه بر آن، در اين كتاب، برای ارزیابی یکایک اقتصادها، نه معیار به کار گرفته شده است:

1-سطح تولید ناخالص داخلی یا درآمد سرانه واقعی

2-نرخ رشد اقتصادی

3-مصرف محصول ناخالص داخلی

4-کارایی ایستا به صورت بهینگی پارتو

5-کارایی پویا برای تخصیص منابع در طول زمان برای حداکثرسازی رشد پایدار درازمدت

6-ثبات اقتصاد کلان شامل محصول، اشتغال و سطح عمومی قیمتها

7-امنیت اقتصادی افراد بر حسب درآمد، اشتغال و موضوعات مرتبط مانند مراقبت بهداشتی

8- درجه برابری درآمد و توزیع ثروت، شاخص ضریب جینی

9-درجه آزادی فعالیت های اقتصادی برحسب کار، مصرف، دارایی، سرمایه گذاری، شاخص آزادی فعالیت اقتصادی و شاخص توسعه انسانی.

در این كتاب اقتصاد تطبیقی، اقتصاد ایالات متحده آمریکا، اقتصاد ژاپن، فرانسه، آلمان، اتحادیه اروپا، اقتصاد روسیه، لهستان، مجارستان، اسلوونی، چین، هند و اقتصاد ایران، مکزیک، کره جنوبی و کره شمالی، بررسی و مقایسه شده است. در كتاب ”اقتصاد تطبيقي“( انگرسانو)،رویکرد نهادی-تطوری اتخاذ شده است. تمرکز بر تطور نهادی این واقعیت را تقویت می کند که اقتصادها ماهیتا، تطوری هستند. اقتصادهای زیر در این متن، مقایسه شده اند: ژاپن،آلمان، فرانسه،بریتانیا،سوئد،اتحادیه اروپا،اتحادجماهیر شوروی، چین و مجارستان.

**چهارچوب" اقتصاد تطبیقی" برای تدوین کتب دانشگاهی**

با توجه به ضرورت تدوین متون درسی جدید در زمینه اقتصاد تطبیقی، چهارچوب زیر برای تدوین متون درسی ارایه می شود:

1-زمینه های جایگزینی "اقتصاد تطبیقی" به جای "نظام های اقتصادی". جایگزینی مقایسه "اقتصاد سرمایه داری"،"اقتصاد اسلامی" و "اقتصاد سوسیالیستی" با مقایسه اقتصادهای بازاری از طریق مقایسه طیف اقتصادهای بازاری در اقتصاد جهانی: اقتصادهای بازاری پیشرفته صنعتی، اقتصادهای در حال گذار به اقتصاد بازار(سوسیالیستی سابق)، اقتصادهای بازاری نوظهور(بریکس)، اقتصادهای بازاری متاثر از اقتصاد اسلامی(کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی) و سایر اقتصادهای بازاری

2-"نهادگرایی" و "ساختار اقتصادی" در" اقتصاد تطبیقی"، جایگزین "نظریه سیستم ها"در"نظام های اقتصادی". تعریف ساختار در اقتصاد ساختاری و مفهوم نهاد در اقتصاد نهادی. نقش و عملکرد نهادها، انواع نهادها، نقش نهادها در رشد اقتصادی.

3-ساختارهای مورد مقایسه میان اقتصادها؛ الف) ساختار درآمدی: مقایسه اقتصادهای جهان بر اساس سطح درآمد. (کم درآمد،درآمد متوسط پایین،درآمد متوسط بالا، پردرآمد). ب) مقایسه ساختار تولید ناخالص داخلی(کشاورزی-صنعت-خدمات) ج) ویژگی های ساختارهای اقتصادی وابسته به منابع( نفت و گاز و ...)

4- نهادهای مورد مقایسه میان اقتصادها: نهاد مالکیت(خصوصی-دولتی)، سیاستهای اقتصادی(پولی-مالی-تجاری-صنعتی-رقابتی-درآمدی-حمایتی-خصوصی سازی-....)، نهاد دولت، قوانین اقتصادی(حقوق و اقتصاد) و مقایسه کارایی و اثربخشی نهادهای مختلف، از طریق مقایسه توان رقابت میان اقتصادها، فضای کسب و کار، فضای سرمایه گذاری، بهره وری عوامل تولید.

5-عملکرد تطبیقی توسعه اقتصادی کشورها و شناسایی نقش نهاد فرهنگ در ساختار، رفتار و عملکرد اقتصادها.

6-بررسی تطبیقی نهادهای اقتصاد اسلامی مانند، نهاد مالکیت، دولت، بازار و ...با نهادهای سایر اقتصادهای بازاری در اقتصادهای مرسوم دنیا.

7-مقایسه ساختارها، نهادها و عملکرد توسعه مناطق جهان:

الف) اقتصادهای خاورمیانه و شمال افریقا

ب) اقتصادهای شرق آسیا و پاسیفیک

ج)اقتصادهای جنوب آسیا

د) اقتصادهای آمریکای لاتین و کارائیب

ه) اقتصادهای اروپایی و آسیای میانه

و) اقتصادهای زیر صحرای آفریقا

ز) اقتصاد ایالات متحده آمریکا

ح) اقتصاد اتحادیه اروپا

ط) اقتصادهای بازاری نوظهور بریکس(برزیل- روسیه- هند- چین)

 **نتیجه گیری**

دوران رويكرد سيستمي مقايسه اقتصادها به سر آمده و دوران ساختارهای اقتصادی و اقتصاد تطبیقی، آغاز شده است. نظام های اقتصادی متکی به نظریه سیستم ها است. مقايسه ساختارهاي اقتصادي، متکی به نهادگرایی است. مجلات علمی، متون درسی و انجمن های علمی در زمینه اقتصاد تطبیقی در حال افزایش است که نشان دهنده بالندگی رشته مطالعاتی جدید است. مباحث پیشنهادی برای اقتصاد تطبیقی می تواند جایگزین مباحث نظام های اقتصادی شود.

آقای دکتر امیری در جمع بندی صحبت های دکتر میرجلیلی گفتندامروزه مبحث نظام های اقتصادی دیگر کاربرد ندارد اولا چون موضوع مقایسه منتفی است ثانیا اقتصاد سرمایه داری هم به لحاظ مفهومی دچار تحولاتی شده و ثالثا اینکه نظریه سیستم ها ناکارآمد است. ایشان جایگزین را ساختارهای اقتصاد یا اقتصاد تطبیقی می دانند و نهایتا پیشنهاد هایی هم برای سرفصل های ساختارهای اقتصادی ارائه کردند.

آقای دکتر عیوضلو ناقد اول جلسه ضمن تشکر از دکتر میرجلیلی عنوان کردند که در این بحث به نکاتی مناقشه برانگیز اشاره شد از جمله اینکه نظام اقتصاد بازاری نظام مسلط است، که اینطور نیست. این الگوهای ایده آل وقتی مطرح می شوند جنبه راهنما دارند چون هیچ وقت نمی شود به الگوی ایده آل رسید و از همان ابتدا هم الگوی پیور نبود بلکه تمام نظام های سوسیالیستی یا سایر نظام ها را داریم. این خیلی بحث می شود که ما چطور بتوانیم چارچوب هایمان را حفظ کنیم. امروزه اگرچه جبهه های قدیم کنار رفته ولی جبهه های جدید آمده است. آقای دکتر اشاره کردند که باید سرفصل ها عوض شود. آنچه من بعد از 2012 دیدم سر فصل هایی است که نظام های غیر متمرکز را مورد توجه قرار داده بود. فرض شما این بوده که نظام های موجود انسجام درونی ندارند ولی باید بگویم هر نظامی انسجام درونی دارد. همچنین اشاره کردید که کاربرد نظریه سیستم ها به افول گراییده است ولی باید بگویم امروزه نظریه سیستم ها به مراتب پیچیده تر شده است. اینکه باید تنوع ایجاد کنیم و سرفصل های جدید بیاوریم مثل فساد، رشد، سیستم های اقتصادی اروپایی، حقوق، نظریه های جدید اقتصادی، نقش فرهنگ و ...موافقم. به نظرم بهتر است دقت بیشتری در فرضیه هایتان داشته باشید. در صفحه 125 آمده« به دلیل مدون نبودن نظام اقتصادی اسلام...»باید بگویم آنچه در ایران است الزاما اقتصاد اسلامی نیست. اقتصاد اسلامی در کل دنیا قابل مشاهده است و از همه مهم تر نظام اقتصادی صدر اسلام، نظام اقتصادی در تمدن اسلامی و بعد هم نظام اقتصادی اسلامی در جهان معاصر.

آقای دکتر امیری تهرانی زاده در جمع بندی اشاره کردند که نقد اول ایشان این بود که تفاوت است میان نظام اقتصادی ایده آل و واقعیت نظام های اقتصادی در اینجا می شود به ایده های نظری ماکس وبر اشاره کرد اینکه در نظام های اقتصادی سرمایه داری ما با یک طیفی از این اقتصاد ها مواجه هستیم در واقع هیچ یک از این اقتصاد ها به شکل کامل تحقق پیدا نکرد. نقد دوم شان این بود که ما با نظام های اقتصادی مواجه هستیم یکی تقسیم بندی سه گانه و یکی تقسیم بندی اقتصاد های متمرکز و غیر متمرکز. نقد سوم این بود که اینکه نظریه سیستم ها افول کرده محل مناقشه است چرا که ما امروزه با نظریه های سیستمی بسیار پیچیده مواجه هستیم. در نقد چهارم به این اشاره شد که وقتی از شاخص های ساختاری صحبت می شود آنچه نهایتا مورد توجه است این است که آنها برای تحلیل تحولات نظام های اقتصادی مورد استفاده هستند و از این ساختار و شاخص ها فراتر رفته و به تحولات پرداخته می شود. نکته آخر هم در مورد نظام اقتصادی اسلام بود که علاوه بر تجارب جمهوری اسلامی باید به نظام اقتصادی صدر اسلام هم اشاره کرد.

آقای دکتر منظور به عنوان ناقد دوم ضمن تشکر از اعضای محترم جلسه به اهیمت موضوع طرح شده پرداختند اینکه آموزش یک مسئله پویاست و باید سرفصل های سنتی متناسب با تغییرات جامعه، تغییر کند. کشور ما در بخش آموزش عمدتا اقتصاد را تبدیل کرده به جعبه ابزار که عمدتا با کمک روش های آماری و اقتصاد سنجی کار می کند. دانشجو یاد می گیرد دیتا جمع کند و آن را بریزد در داخل جعبه ابزار بعد الگو بگیرد و سپس مقاله چاپ کند. آنچه که شاکله اصلی اقتصاد است اختلاف نظر مبنایی است بین اندیشمندان اقتصاد. شما در یک اقدام خوب اقتصا تطبیقی را در سال 93 مطرح کردید و این نقطه قوت پزوهشگاه است. فارغ از اهمیت مسئله به لحاظ محتوایی در مورد کار آقای دکتر میرجلیلی باید بگویم منابع استفاده شده عمدتا منابع خارجی است و من درخواست میکنم حتما منابع فارسی را ببینند چون ما در داخل کشور هم حتما یک ادبیاتی داریم که می تواند مفید باشد. نکته دوم اینکه فرض شما این است که موضوعات نظاهای اقتصادی امروز دارد از ادبیات اقتصادی دنیا خارج می شود و به جای آن مفهوم جدیدی شکل می گیرد به نام اقتصاد تطبیقی. بادی کلارک در کتاب 2016 خود را اگرچه بر اساس منطق نظام های اقتصادی گذشته تدوین می کند اقتصاد تطبیقی را در واقع ویرایش دروس نظام های اقتصادی می داند. اقتصاد تطبیقی عمدتا بررسی مصادیق است نه جایگزین نظام های اقتصادی. در فصل دوم همین کتاب ارزیابی نظام های اقتصادی موردتوجه قرار می گیرد. در فصل سوم به بحث مارک سنتر اکونومیک سیستم می پردازد و نظام های بازار محمور معرفی می گردد و نقاط قوت و ضعف آن مورد توجه واقع می شود. به هر صورت نظام های اقتصادی ما تلفیقی است از کاپیتالیسم و سوسیالیسم و اخیرا دیدگاه های دینی و بطور خاص اسلامی. در دنیا امروزه نهضتی درست شده به طرف اقتصاد دینی که مسیحی ها دارند کار می کنند. اروپا هم به این باور رسیده که باید ملاحظات ارزشی را در تغییر رفتارهای اقتصادی یا ساماندهی آن وارد کنیم. در فصل دیگر به نظام های اقتصادی جامعه محور اشاره می کند یعنی نظام های اقتصادی کمونیستی تبدیل به نظام های دیگر شده اند.سپس تحولات سیستم آمریکا را بررسی می کند از 1815 تا امروز و حتی به بررسی آینده می پردازد و درنهایت به سراغ کشورهایی همچون کره جنوبی، هند و ایران می آید. ما نمی توانیم بدون تحلیل تاریخی وارد نظام اقتصاد دنیا شویم باید به مبانی ها برگردیم و نظام های امروز ترکیب نظام های گذشته است و ما باید آن را حفظ کنیم. اینکه بخواهیم بگوییم نظام های اقتصادی را کنار بگذاریم و بجایش نظام تطبیقی می آوریم، اشتباه است. نظام تطبیقی در واقع واکنشی است به نظام سرمایه داری گذشته و حتی اقتصاد نهاد گرایی. اقتصاد نهادگرایی که بسیار هم گسترش پیدا کرد یک واکنش بود به نظام کاپیتالیسم چون شاهد شدت گرفتن شکاف طبقاتی شدند و عنوان کردند که باید برگردیم به اصلاح نهاد ها. همانطور که سوسیالیسمهم واکنشی بود به کاپیتالیسم. کمونیست ها آمدند و گفتند نظام سرمایه داری یک نظام نابرابر است بنابراین ما با حاکم کردن طبقه کارگر آن نظام را فرومی پاشیم و نظام دیگری قرار می دهیم. نکته دیگر اینکه شما در جایی عنوان کردید:« به دلیل مدون نبودن اقتصاد در اسلام...» یعنی شما نظام اقتصادی اسلام را بدیل سایر نظام ها قرار نمی دهید. من در پاسخ می خواهم بگویم اقتصاد اسلامی فراتر از این هاست. آقای بندیکت کهلر کتابی را منتشر کرده و اعتقاد دارد صدر اسلام زایش سرمایه داری بوده است و بسیار مستدل عنوان می کند پیامبر اسلام برخلاف پیامبر های پیشین یک تاجر بوده و اقتصاد بازار را ترویج کرده است. لذا ما باید به آموزه های پیامبر و معصومین و آنچه متفکرین اسلام به آن اضافه کردند. جان مارانگوس در 2013 کتابی دارد در رابطه با پایداری و سازگاری نظام اقتصادی اسلام و معتقد است نظام اقتصادی اسلام از انسجامی برخوردار است و می تواند بدیلی باشد برای پرداختن به آن. که می تواند رفرنس مفیدی برای شما باشد. در آخر می خواستم بگویم از آنجا که شما می خواهید پیشنهاد سیلابس کنید به جز کتابهای درسی که مرور کردید سیلابس کتابهایی که الان در دانشگاههای دیگر تدریس می شود را هم ببینید و به مقاله تان اضافه کنید.

دکتر امیری تهرانی به عنوان جمع بندی اشاره کردند که ایشان به اهمیت موضوع تاکید داشتند. سپس پژوهشکده اقتصاد را نقد کردند ( مجله اقتصاد تطبیقی)، همچنین توجه دکتر میرجلیلی را به منابع داخلی جلب کردند و اینکه و نظام های اقتصادی را از دید اقتصاد دان ایرانی هم ببینیم. همچنین اینکه به نظر می رسد نظام های اقتصادی با برشمردن برخی از کتابها ادامه دارد و به چند کتاب اشاره کردند از جمله باری کلارک. پس ضرورت رویکرد تاریخی به نظام اقتصادی را مطرح کردند. به تعبیری ایشان نظام اقتصادی را به مثابه یک چارچوب تحلیلی یا نظری می بیند که در این چارچوب می توان هر اقتصاد را مورد تحلیل قرار داد.

سپس آقای دکتر میرجلیلی ضمن تشکر از نقد ناقدین عنوان کردند آنچه تحت عنوان سوسیالیسم بازار می بینیم آنها تخصیص منابع شان همچنان مارکت است و چون هدف مقایسه اقتصاد هاست آنچه در عمل هست را می بینیم که آنچه در ایده آل بوده است. در نظریه سیستم ها این مطرح است که تا چه حد می توان استفاده کرد و به خاطر همین به عدم انسجام درونی اشاره کردم چون اساس این تئوری بر انسجام است چرا که سیستم تعریف مشخص دارد. آنهایی که این اسم را حفظ کردند سهی کردند همچنان آن را حفظ کنند. واقعیت این است که اگر به 3 یا 4 کتاب بخواهید اشاره کنید که بگوید تئوری سیستم انسجام دارد من می توانم 30 کتاب نام ببرم که می گوید خیر نمی تواند. لذا باید رفت سراغ یک تئوری دیگر تا بتواند این ها را توضیح بدهد. آنچه من درمورد افول گفتم در مورد افول نظریه سیستم ها برای توضیح مقایسه نظام ها بود که در واقع کاهش پیدا کرده است. اگرچه یک تئوری عمر طولانی دارد. استناد من سرفصل های وزارت علوم است: نظام اقتصاد سرمایه داری، نظام اقتصاد سوسیالیم و نظام اقتصاد اسلامی که در اینجا به قانون اساسی جمهوری اسلامی اشاره می شود. در مورد اینکه آیا این اقتصاد تطبیقی جایگزین است یا توسعه باید بگویم توسعه ای است که جایش را می گیرد. قبلا می گفتند همه اقتصاد های دنیا دو نوع اند یا سرمایه داری یا سوسیالیستی الان می گویند تمام اقتصادها در یک طیف قرار گرفته اند و الان 56 کشور اسلامی 56 نوع اقتصاد دارند. خوشبختانه در حرکت از سیستم ها به سمت کاربرد نهاد ها و ساختارها تمام اقتصاد ها را میتوان باهم مقایسه کرد و دیگر به دونوع محدود نمی شود. در مورد صحبت آقای عیوضلو درمورد اقتصاد اسلامی باید بگویم اگر کلمه نظام را بردارید و به جای آن ساختار بگذارید این درست می شود چون در ساختار ما به تولید بخش کشاورزی، سیاست پولی و ...اشاره می کنیم.

آقای دکتر امیری تهرانی بعد از یک جمع بندی کوتاه از حضار خواستند در صورتی که سوال یا پرسشی دارند مطرح کنند.

سوال اول این بود که مبنای این تقسیم بندی به صدر اسلام، تمدن اسلامی و اسلام امروز چیست؟ از طرفی ما بر چه اساسی باید راهمان را دنبال کنیم براساس گفتمان مدرن یا مقایسه نهادی؟ اقتصاد اسلامی ما در ذیل گفتمان مدرنیته باید فهمیه شود یا در ذیل سنت یا مدرنیته و سنت در ذیل گفتمان نبوی؟

سوال دوم توسط دکتر منتظری عضو هیئت علمی پژوهشگاه اینطور بیان شد چه چیزی در یک جامعه موجب کارکرد می شود؟ آیا مقایسه نظام هاست یا مقایسه رفتارها و نهادها؟

آقای دکتر میرجلیلی در پاسخ گفتند نظریه مبنایی تغییر کرده و ما می دانیم نظریه ها برای توضیح واقعیت ها هستند. اینکه بگوییم بطور کلی نظام سوسیالیستی فلان گونه است کمکی به ما نمی کند. تئوری ابزار تحلیل است. مبنا تغییر کرده از تئوری سیستمیک به تئوری نهادها و ساختارها. هدف این است که بتوانیم اقتصادها را باهم مقایسه کنیم چرا که قبلا با دانشی که به دانشجو می دادنداین امکان مقایسه نبودولی با تغییر سرفصل ها یک لیسانس اقتصاد باید به جز اقتصاد ایران حداقل یک اقتصاد را بشناسد که با آوردن اقتصاد تطبیقی این امکان پذیر است.

سپس آقای دکتر امیری حضار ضمن با اهمیت دانستن این مناقشه از همه اساتید و حضار تشکر کرده و پایان جلسه را اعلام کردند.